

## چالش‌های پیشگیری از جرم از طریق مشارکت نهادهای دولتی

علیرضا باوی<sup>۱</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** تخصصی شدن وظایف نهادهای دولتی، پراکندگی در ایفای وظایف پیشگیرانه را رقم زده است. به همین دلیل لازم است تا به لزوم یکپارچگی و مشارکت‌های پیشگیرانه نهادهای دولتی در پیاده‌سازی تدابیر پیشگیرانه پرداخته شود. اینکه چه نهادهای دولتی، اعم از قضایی و غیر قضایی، را می‌توان در پیشگیری از جرم سهیم دانست و اینکه در ایفای هرکدام از وظایف این نهادهای دولتی تا چه اندازه بر پیشگیری از جرم تأکید شده است و نیز به منظور بکارگیری رویکرد جامع در مشارکت این نهادهای دولتی چه چالش‌هایی وجود دارد از جمله پرسش‌های پژوهش حاضر است. **روش‌شناسی:** این پژوهش به روش تحلیل توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تنظیم شد. در این راستا با مراجعه به منابع مختلف و همچنین بررسی رویه نهادهای کنشگر در زمینه پیشگیری از جرم و مقررات مختلف اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شد.

**نتایج و یافته‌ها:** آنچه از پژوهش حاضر به دست آمده این است که تحقق نیافتن رویکرد چند نهادی، منسجم نبودن و ناهماهنگی بین نهادها و سازمان‌های دولتی از یک سو و همچنین فقدان چارچوب قانونی جامع از سوی دیگر، موانع مهم پیشگیری نهادی قلمداد می‌شوند. در این راستا نگاه واحد مدیریتی با تقویت امکان نظارت و تجمیع ابتکارات پیشگیرانه نهادهای مختلف باعث خواهد شد تا در عین هماهنگ‌سازی رویه‌های پیشگیرانه به تقویت بکارگیری رویکرد منسجم منتهی شود.

**کلیدواژه‌ها:** پیشگیری از جرم، مشارکت، نهادهای دولتی، مدیریت پیشگیری، چالش‌های پیشگیری از جرم.

□ **استناد:** باوی، علیرضا (زمستان، ۱۳۹۷). چالش‌های پیشگیری از جرم از طریق مشارکت نهادهای دولتی. *فصلنامه رهیافت پیشگیری*، ۱(۴)،

## مقدمه

امروزه در بیشتر کشورها رویکرد چند نهادی و مشارکت تمام اقشار جامعه در پیشگیری از جرم مورد توجه است. پیشگیری چند نهادی در مقایسه با مداخله تک نهادی از این فرض مقبول گرفته شده است که هر نهادی، از قبیل نیروی انتظامی، قوه قضائیه در مفهوم کلان و در راستای اصل ۱۵۶، از آموزش و پرورش تا گمرک و سایر سازمان‌های مرتبط، همگی به نوبه خود در زنجیره وسیع پیشگیری از جرایم نقش دارند. بنابراین پیشگیری از وقوع جرم به تنهایی از عهده قوه قضائیه بر نمی‌آید. مقام معظم رهبری فرمودند: «همه دستگاه‌ها موظف هستند در جهت پیشگیری از وقوع جرم با قوه قضائیه همکاری کنند». همچنین رئیس سابق قوه قضائیه نیز معتقد بود: «پیشگیری از وقوع جرم بدون تعامل منطقی و همه جانبه قوای مختلف کشور ممکن نیست». در قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ نیز مشارکت همه قوا و دستگاه‌ها و نیز مشارکت مردم در امر پیشگیری پیش بینی شده است. برخی حقوقدانان و جرم‌شناسان با این که متولی اصلی و مدیریت آن بر عهده قوه قضائیه باشد مخالف هستند؛ دلیل‌شان هم آن است که در موضوع مهمی چون پیشگیری از جرایم مختلف و گاه بسیار آسیب‌زا به جامعه، یک قوه و یک دستگاه به تنهایی نمی‌تواند موفق شود. با نگاهی به سابقه و گذشته کشور در این زمینه این نظر تا اندازه‌ای وجاهت پیدا می‌کند. زیرا با وجود نهادهای مسئول متعدد، توفیق چندانی به دست نیامده و نه تنها شاهد کاهش بسیاری از جرائم نیستیم، بلکه بعضی از جرایم نسبت به گذشته افزایش هم یافته است. بر همین اساس به نظر می‌رسد دلیل تحقق نیافتن رویکرد چند نهادی در ایران و نبود هماهنگی بین نهادها و سازمان‌های مختلف در پیشگیری از جرم، چالش‌های فراوان در مسیر پیشگیری است که باید در یک پژوهش، به تبیین وظایف نهادهای دولتی پرداخت و جایگاه هر کدام را تبیین کرد. در رابطه با جنبه‌های مختلف کنشگران دولتی متولی پیشگیری از جرم، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، اما گستردگی این حوزه‌ها نیازمند سازماندهی و نظام بخشی به عملکردهای مشارکت‌جویان این نهادها است. بنابراین رویکرد چند نهادی در پیشگیری از جرم، به نحوی است که از یک طرف فعالیت سازمان‌های دولتی و از طرفی دیگر فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی را در کنار یکدیگر می‌طلبد. در میان این نهادها، فعالیت سازمان‌های دولتی، آن هم به دلیل انتظار بالای مردم از بدنه دولت، خود به طور مجزا شایسته بررسی است؛ زیرا عموماً وظایف دولتی نهادها به نحوی است که یا به طور خاص وظیفه پیشگیری بر عهده آنها نهاده شده است و

یا اینکه نوع وظایف آنها به طور غیر مستقیم به پیشگیری از وقوع جرم منتهی می‌شود. بر همین اساس جایگاه مهم نهادهای دولتی از یک طرف و نیز اهمیت پیشگیری از وقوع جرم از طرف دیگر در جامعه حاضر، بکارگیری رویکرد جامع را اقتضا می‌کند تا به مدد آن بتوان به این وظایف و نحوه عملکرد نهادهای دولتی و نیز میزان اثربخشی اقدامات پیشگیرانه پرداخته شود.

## مبانی نظری

بایسته‌های مشارکت‌های پیشگیرانه نهادهای دولتی: نهادهای متولی پیشگیری از جرم در مفهوم کلان نهادهای بسیاری را شامل می‌شوند. زیرا وظایف مستقیم و غیر مستقیم پیشگیرانه را می‌توان در شرح وظایف بسیاری از نهادها مشاهده کرد. باید مشخص کرد که این بعد پیشگیری از چه ویژگی‌هایی تشکیل شده است. همچنین لازم است این جنبه پیشگیری در قالب سطوح مختلف تبیین شود.

**الف. ویژگی‌های ضروری مشارکت‌های پیشگیرانه نهادهای دولتی:** ویژگی‌های اساسی برای عملکرد پیشگیرانه نهادها را می‌توان در سه مورد زیر خلاصه کرد: نخست این که پیشگیری از سوی نهادهای دولتی باید نظام‌مند باشد، ویژگی دوم نیز منطقی است که باید بر این نظام حاکم باشد یعنی، انعطاف‌پذیری، و ویژگی سوم ناظر به مسیر دستیابی به هدف (یعنی ویژگی ضرورت تعالی در پیشگیری) به شکل موفقیت‌آمیز است.

**پیشگیری نهادمدار به مثابه یک نظام:** برای درک عملکرد پیشگیرانه نهادهای دولتی می‌توان آن را به یک نظام پیشگیرانه تشبیه کرد. نظام عبارت است از ترکیبی از اجزا و قسمت‌های مختلف یک مجموعه که به یکدیگر وابسته و روابط متقابل میان آنها به شکل خاصی سازمان یافته است (لطیفی، ۱۳۸۷، ص ۱۰). این سازمان یافتگی برای دستیابی به هدف خاص (در اینجا پیشگیری از جرم) است. مدیریت کنشگران پیشگیری نیز از قسمت‌هایی چون معاونت‌ها و سازمان‌ها یا اداره‌های وابسته تشکیل شده که با یکدیگر در قالب ساختاری واحد روابط متقابل دارند و این ارتباط ممکن است ضعیف یا قوی باشد. پیشگیری نظام‌مند از نظر رده‌بندی نظام‌ها در رده نظام‌های اجتماعی قرار می‌گیرد، زیرا باید متشکل از تعداد زیادی افراد بوده و دارای ساخت سلسله‌مراتبی و تقسیم کار دقیق باشد. قسمت مهم این نظام پیش‌بینی ریاست و معاونت‌های مشخص است و امور مالی نیز مهمترین مسئله نظام مدیریت را تشکیل می‌دهد و درجه

استقلال این نظام تا حد زیادی به وضع مالی آن بستگی دارد. در بسیاری از کشورها یکی از مهمترین مسئله‌های نهادهای مدیریت مدار شهری، چاره‌جویی برای افزایش درآمد است. به تعبیر دیگر امور مالی در مدیریت پیشگیری همانند قلب، خون را به جریان می‌اندازد. اما با تفاوت اندکی میان پیشگیری نهادمدار و مدیریت شهری، در پیشگیری نهادمدار هدف کسب منابع مالی و درآمد نیست، بلکه در صدد تضمین توجه به ردیف بودجه‌ای خاص در تدابیر پیشگیرانه است.

بعد دیگر در نظام مندی مشارکت‌های پیشگیرانه نهادها، ترسیم دایره استقلال در عملکرد و همچنین محورهای همکاری و پاسخگویی به مراجع مشخص است. اگرچه نهادهای گوناگون پیشگیری هر یک در کار خود استقلال نسبی دارند اما برای تحقق اهداف نظام مندی این نهادهای پیشگیرانه، باید با یکدیگر هماهنگی داشته باشند، که انجام این وظیفه مهم بر عهده مدیر نهادهای متولی پیشگیری است. بنابراین، از تشبیه پیشگیری نهادمدار به یک نظام به ویژگی‌هایی اساسی دست می‌یابیم، نخست پیشگیری نهادمدار باید با داشتن روابط متقابل با اجزای تشکیل دهنده خود عمل کند، دوم عملکرد دستیابی به اهداف در پیشگیری نهادمدار باید سازمان یافته صورت گیرد. سوم سلسله مراتب و تقسیم کار در این نظام به‌طور دقیق صورت گیرد. چهارم اینکه با بهبود وضعیت نظام امور مالی نظام پیشگیری نهادمدار، باید درجه استقلال آن را افزایش داد، و در نهایت ریاست نهادهای متولی پیشگیری از جرم، هماهنگی لازم میان اجزای مجموعه نظام پیشگیری نهادمدار را به بهترین وجه سامان بخشد.

**انعطاف‌پذیری مشارکت نهادهای دولتی در پیشگیری از جرم:** آنچه امروزه در هدایت نظام پیشگیری نهادمدار اهمیت بسیار دارد توانایی این نظام در انعطاف‌پذیری درونی است. به تعبیر دیگر انعطاف‌پذیری درونی به معنای روز آمدی سریع اجزای درونی نظام پیشگیری نهادمدار، در تناسب با تحولات سریع بیرونی قلمداد می‌شود که لزوم کارایی بهتر نهادهای متولی پیشگیری، خود نویدگر این ویژگی ذاتی برای پیشگیری نهادمدار است. در بحث‌های عمومی از نظام‌ها آنها را برحسب روابطشان با محیط به بسته و باز تقسیم می‌کنند. نظام‌های باز نظام‌هایی هستند که مبادلات زیادی با هر چیزی که در اطراف آن وجود دارد انجام می‌دهند و در مقابل نظام‌های بسته نظام‌هایی هستند که در خود فرو رفته‌اند. البته در واقعیت هیچ نظام بسته‌ای وجود ندارد و نظام‌های باز نظام‌هایی هستند که معمولاً بهتر عمل می‌کنند و می‌توانند خود را با شرایط خطرناک محیط پیرامون به خوبی سازگار سازند. در شرایط کنونی با توجه به متغیرهای بسیار و

محیط ناهمگن و متنوعی که نظام پیشگیری نهادمدار در آن قرار دارد این نظام باید به روش باز عمل کند و ساختارهای خشک و غیر قابل انعطافی که خود مانعی بر سر راه بکارگیری تدابیر پیشگیرانه هستند را از خود دور کند. زیرا این نظام باید بتواند خود را با محیط اطراف سازگار کند و ضمن حفظ کلیت خود به تبادل پویا با آن بپردازد. علت دیگر بر لزوم انعطاف پذیری نیز آن است که وقوع جرایم نوین روزافزون است و از همین رو به نظر می‌رسد نهادهای متولی پیشگیری در صورتی می‌توانند خود را با این جرایم نوین منطبق سازند که میزانی از انعطاف پذیری را در خود پیش‌بینی و به رسمیت شناخته باشند. بنابراین، نکته مهم در این زمینه بهره‌گیری نظام پیشگیری نهادمدار از فرصت‌های زمانی است که امکان سازگاری آن را برای کارایی بهتر در زمان مطلوب فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر نظام پیشگیری نهادمدار باید به اندازه کافی تنوع داشته باشد تا بتواند از عهده سازگاری خود با موقعیت‌ها و پیشگیری از جرایم جدید برآید.

**ضرورت تعالی نظام پیشگیری؛ هدف مشارکت‌های کنشگران دولتی:** در نظریه‌های جدید مدیریت، به بالاترین سازمان از نظر کیفیت، سازمان تعالی می‌گویند. در تعریف این سازمان گفته شده «یک سازمان تعالی یک سازمان متقابل نیز هست. روابط یا ارتباط زمانی تعالی است که تمام اعضا به ماهیت ذاتی و درونی روابط خود اهمیت دهند. بدین معنا که هر فردی برای کارایی بیشتر و تحقق نتایج پیشگیرانه ملموس، از هیچ کوششی دریغ نرزد. برخلاف یک رابطه متقابل خشک و رسمی که در آن طرفین به چگونگی تقسیم منافع، علاقه‌مندی نشان می‌دهند، شرکت‌کنندگان در یک رابطه تعالی و برتر بیشتر مایل اند بدانند چگونه هریک از آنان می‌توانند نفع بیشتری به شرکت ارائه دهند. افزون بر این، تمام اعضای سازمان به این موضوع علاقه‌مند هستند که چگونه می‌توانند برای افراد خارج از سازمان نیز مثر ثمر باشند» (دورسون و بیسون، ۱۳۷۰، صص ۴۹-۵۳). نظام پیشگیری مبتنی بر مشارکت نهادهای دولتی نیز باید تلاش کند خود را به سطح تعالی ارتقا دهد. در این صورت این نظام می‌تواند به جایگاه واقعی خود برسد. راه‌های رسیدن به این هدف برای نظام پیشگیری نهادمدار عبارت است از: ۱- فراهم آوردن جریان بهتر اطلاعات برای تصمیم‌گیری مناسب و کاهش از هم پاشیدگی خدمات، ۲- مشارکت با استفاده از اطلاعات یادشده و فراهم آوردن امکانات ابتکاری برای کارکنان و ۳- برقراری آزادی‌های کافی در تصمیم‌گیری، در تمام سطوح سلسله‌مراتبی برای موقعیت‌های ویژه در سازمان متولی پیشگیری از جرم (شهباز، ۱۳۹۵، صص ۲۱-۲۳). در این میان باید به عنصر بسیار مهم اطلاعات تکیه کرد که از عدم قطعیت درونی تصمیم‌گیری‌ها جلوگیری می‌کند. نظام

پیشگیری مبتنی بر مشارکت نهادهای دولتی باید به ابزارهایی برای گردآوری و پردازش اطلاعات مجهز شود. آمارگیری‌های گسترده و دقیق، نمونه‌گیری‌های لازم و پژوهش‌های میدانی، تهیه نقشه‌های اطلاعاتی مانند نقشه جغرافیای جرم، بخشی از فعالیت‌هایی است که در این زمینه قابل اشاره هستند.

**ب. سطح‌بندی عملکرد مشارکتی نهادهای دولتی حوزه شهری در پیشگیری از جرم:** به‌طور کلی پیشگیری چند نهادی در سه دسته کلی قابل شناسایی است. این سه دسته کلی که به‌عنوان سطوح مختلف پیشگیری چند نهادی از آنها یاد می‌شود، به‌منظور پیاده‌سازی رویکرد چند نهادی پیشگیری از جرم، از یک طرف باید به شکلی هماهنگ، در سطح کلان سیاست‌گذاری مرتبط با این پیشگیری صورت بگیرد و دوم در بعد سطح خرد نهادهای پیاده‌ساز به این نحو از سیاست‌گذاری‌های هماهنگ توجه کنند. سطح خرد را می‌توان در قالب نهادهای منطقه‌ای و محله‌ای مدنظر قرار داد. همچنین شایسته اشاره است که در سطح داخلی دولت (رستمی‌غازانی، ۱۳۹۰)، به‌ویژه هنگامی که در مقام تدوین و تنظیم سیاست‌های عمومی برمی‌آید، کنشگر پیشگیری محسوب می‌شود. در سطح بین‌المللی و فراملی نیز به‌منظور تسهیل اجرای تدابیر پیشگیری، اقدامات متعددی انجام می‌شود. در همین راستا، سازمان ملل متحد، کشورهای عضو را به‌سمت دستیابی به تعادل در پاسخ‌های پیشگیرانه و سرکوبگرانه ترغیب می‌کند. این امر در سال‌های اخیر از طریق تصویب قطعنامه‌هایی در همین خصوص، به‌ویژه اصول راهبردی در زمینه پیشگیری از جرم (۲۰۰۲) و نیز شبکه مؤسسات پیشگیری و عدالت کیفری دنبال شده است.<sup>۱</sup> مثلاً بنا بر درخواست برخی از شهرداران کشورهای آفریقایی از سازمان ملل در زمینه مبارزه با خشونت، برنامه‌های زیست‌بوم<sup>۲</sup> با رویکرد پیشگیرانه توسط این سازمان به اجرا درآمد و سپس به پانزده کشور در دیگر قاره‌ها گسترش یافت. در سطح منطقه‌ای و در اروپا باید به شورای اتحادیه اروپا اشاره کرد. این شورا در سال ۲۰۰۱ تصمیم گرفت تا شبکه اروپایی پیشگیری از بزهکاری را با هدف حمایت از فعالیت‌های دولت‌های عضو در زمینه پیشگیری تأسیس کند (سرور دهنوی، ۱۳۹۲؛ سلاجقه، ۱۳۹۱ و شجاعی، ۱۳۹۰). بودجه این شبکه در سال ۲۰۰۹ تأیید و تأمین شد و پیش‌بینی می‌شود این تأمین بودجه در صورت مثبت بودن نتایج فعالیت‌های انجام شده استمرار یابد (جندلی، ۱۳۹۵).

1. [www.un.habitat.org](http://www.un.habitat.org)

2. [www.eucpn.org](http://www.eucpn.org)

سطح کلان مشارکت کنشگران دولتی در حوزه شهری: در این سطح وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و دستگاه‌هایی قرار می‌گیرند که حیطة عمل و اختیار آنها کل کشور است و توانایی تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در پیشگیری نهادمدار دارند. در بعد سیاست‌گذاری، اگر قوه قضائیه را محرک تبیین و توزیع وظایف پیشگیرانه بدانیم، نباید از تأثیر قوای مجریه و مقننه در بعد قانونگذاری، غافل شد. از طرفی نحوه سیاست‌گذاری قوه قضائیه به تنهایی و از طرف دیگر ارتباط آن با دو قوه دیگر را می‌توان سطح کلان پیشگیری از سوی نهادها دانست. نکته دیگر اینکه، در هرکدام از قوای سه‌گانه، خود نوعی ملاحظات جهت‌دهی متعددی وجود دارند. به‌عنوان نمونه، در قوه مجریه، در رأس وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مؤثر بر پیشگیری نهادمدار و یا چند نهادی، وزارت کشور به‌عنوان قدیمی‌ترین وزارتخانه کشور که پیشینه آن به عهد ناصرالدین شاه باز می‌گردد، قرار دارد. انتخاب شهرداران شهرهای با جمعیت بیش از دویست هزار نفر با وزیر کشور است. موافقت با کلیه تغییرات سازمانی شهرداری‌ها، بررسی و تصویب طرح‌های عمرانی آنها و تصویب طرح‌های هادی و جامع شهری نیز با وزارت کشور است. موافقت با کلیه تغییرات سازمانی شهرداری‌ها، بررسی و تصویب طرح‌های عمرانی آنها و تصویب طرح‌های هادی و جامع نیز با این وزارتخانه است<sup>۱</sup>. همین که این وزارتخانه همکاری خود را اعلام نکند، می‌توان شاهد بود که پیشگیری از جرم از سوی بسیاری از نهادها، پی‌گرفته نخواهد شد و بدین ترتیب پیشگیری از جرم از هدف آرمانی خود دور می‌ماند. در قوه مجریه اگر ارتباط وزارت مسکن و شهرسازی با پیشگیری نهادمدار و متولی و مدیر این پیشگیری قطع شود، می‌توان نتیجه نامطلوبی را از حیث بی‌توجهی به وضعیت مسکن و فقدان نظارت بر طرح‌های عمرانی را در امر پیشگیری محیطی انتظار داشت<sup>۲</sup>. یا آنکه اگر کمیسیون حقوقی مجلس و یا به‌طور کلی نمایندگان

۱. طبق شرح وظایفی که سازمان امور اداری و استخدامی کشور ترسیم کرده است، وظایف وزارت کشور در برابر شهرداری‌ها بدین شرح است: نظارت و راهنمایی شهرداری‌ها در انجام وظایف محوله و تأمین مایحتاج عمومی، نظارت در اجرای کلیه قوانین، آئین‌نامه‌ها و مقررات مربوط به شهرداری‌ها، نظارت بر حسن اجرای قانون نوسازی و عمران شهری، تعیین نیازمندی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه‌ای و محلی و تشخیص اولویت آنها در محدوده برنامه‌ریزی کشور و در آخر اعمال نظارت قانونی بر امور کلیه شوراها از جمله شورای شهر. برای مطالعه بیشتر ر. ک: مجموعه اهداف، وظایف و نمودار تشکیلاتی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی (۱۳۷۰). براساس مواد ۲، ۵۴، ۷۷، ۸۴ و ۹۹ قانون شهرداری، ماده ۲ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی، مواد ۵۲، ۵۸ و ۱۶۲ اصلاحی قانون شهرداری، بند ب ماده ۴۴ آئین‌نامه مالی شهرداری‌ها و مواد ۳، ۱۵ و ۱۶ قانون نوسازی و عمران شهری، وزارت کشور نظارت خود را بر مدیریت شهری اعمال می‌کند. در این وزارتخانه معاونت هماهنگی امور عمرانی، متشکل از اداره کل امور شوراهای اسلامی شهر و شهرداری‌ها، دفتر فنی، دفتر مطالعات و هماهنگی امور ایمنی و بازسازی، دفتر برنامه‌ریزی عمرانی و دبیرخانه شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور عهده‌دار انجام وظایف وزارت کشور در رابطه با شهرداری‌هاست. برخی از وظایف این وزارتخانه که پیوند بیشتری با مدیریت شهری دارد عبارت است از: تهیه معیارها، ضوابط و آئین‌نامه‌های شهرسازی، نظارت

مجلس به شکلی مناسب با قوه قضائیه تعامل نداشته باشند می توان یکی از ضوابط لازم برای پیشگیری نهادمدار یعنی وجود قوانین منسجم را متزلزل دید. در مجموع می توان گفت که هریک از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های کشوری که از حوزه و حیطه کلان برخوردارند، به نوعی در پیشگیری نهادمدار مؤثر بوده و هر یک از وزارتخانه‌ها به سهم خود وظایف و مسئولیت‌هایی در این زمینه برعهده دارند.

**سطح منطقه‌ای مشارکت کنشگران دولتی در حوزه شهری:** با توجه به تقسیم‌بندی استانی کشور، پیشگیری نهادمدار در این سطح نیز قابل بررسی است. در سطح منطقه‌ای یا استانی نیز باید سازمان مستقل پیشگیری نهادمدار وجود داشته باشد. در سطوح استانی باید مشخص شود که نهادهای زیرمجموعه تابع کدامیک از نهادهای تعیین شده از سوی مدیر پیشگیری هستند. به عنوان نمونه اگر معاونت‌های پیشگیری از جرائم استان‌ها در این زمینه مدیر پیشگیری هستند، نحوه تعامل آنها با دیگر نهادهای متولی مشخص شود. توضیح آنکه سازمان‌های موجود در استان‌ها، شعبه‌های استانی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های کشوری محسوب می‌شوند که حیطه اختیار آنها استانی است و بر مدیریت در آن سطح اثر می‌گذارند. در این راستا مهمترین سازمان مؤثر بر پیشگیری نهادمدار در سطح منطقه‌ای استانداری<sup>۱</sup> است؛ حتی بنا به مقابله با برخی جرائم، برخی ستادها زیر نظر این نهاد تعیین و در حال فعالیت هستند که از جمله آنها می‌توان به ستاد مبارزه با مواد مخدر اشاره کرد. بنابراین در این سطح تقسیم‌بندی فعالیت‌ها و محول کردن برخی وظایف به هر کدام، می‌تواند این سطح را منسجم‌تر سازد. در همین خصوص می‌توان نظارت و ارزیابی‌ها را بر عهده یک نهاد و یا مجموعه‌ای از نهادها قرار داد تا فعالیت سازمان یافته و هماهنگ در این خصوص تضمین شود.

وزارت مسکن و شهرسازی و دیگر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های کشوری هر یک در سطح استان‌ها ادارات و شعبه‌هایی دارد. در میان عناصر مؤثر بر پیشگیری نهادمدار در سطح منطقه باید به شوراهای اداری

بر اجرای مراحل گوناگون طرح‌های تفصیلی شهری و اجرای طرح‌های عمرانی شهری.

۱. استانداری از فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها تشکیل شده و مسائل مربوط به مدیریت شهری را بیشتر از طریق معاونت امور عمرانی پیگیری می‌کند. این معاونت که می‌توان آن را تشکیلات استانی معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور دانست، نقش رابط میان وزارت کشور با شهرداری‌ها را به عهده دارد. معاونت امور عمرانی استانداری از دو دفتر به نام‌های دفتر فنی و دفتر امور شهری و روستایی تشکیل شده است. از جمله وظایف عمده دفتر فنی می‌توان به تهیه طرح‌های هادی و نقشه‌های تفصیلی شهری که با همکاری مهندسان مشاور حقیقی و حقوقی انجام می‌گیرد، اشاره کرد. راهنمایی‌های فنی به شهرداری‌ها از جمله وظایف آن است. امور مالی، صدور دستور کارهای لازم، ایجاد هماهنگی برای ایجاد طرح‌های عمرانی در شهرها و روستاها، بررسی نیازهای مالی شهرداری‌ها و نظارت بر امور منابع و استخدامی شهرداری‌ها از وظایف دیگر این دفتر است.



برنامه‌ریزی و شهرسازی استان و مسکن و شهرسازی و محیط زیست اشاره کرد.

سطح محلی مشارکت کنشگران دولتی در حوزه شهری: در سطح محلی یا سطح شهرها، به جز شهرداری که عمده‌ترین نقش را در پیشگیری نهادمدار برعهده دارد، سازمان‌ها و گروه‌های دیگری اعم از رسمی و یا غیر رسمی سهمیم هستند. مقامات و نهادهایی مانند شورای اسلامی شهر و فرمانداری<sup>۱</sup> را می‌توان در این بعد از ایفای وظایف پیشگیرانه مدنظر قرار داد و بر نحوه فعالیت‌های آنها و چگونگی تعامل آنها با یکدیگر و نهادهای قضایی در راستای پیشگیری توجه کرد.

**پیشینه:** اصغری و سرمدی واله (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان پیشگیری اجتماعی از جرم در قانون برنامه پنجم توسعه به این نتیجه رسیدند که برنامه پنجم توسعه که تعیین کننده خط مشی حرکت جامعه به سوی توسعه در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قضایی است، با استفاده از راهکارهای پیشگیرانه تلاش کرده است با هدف کاهش زمینه‌ها و شرایط وقوع جرم و نیز پیش‌بینی تدابیری برای حذف تکرار جرم، جهت‌گیری متفاوتی را نسبت به قوانین پایین دستی داشته باشد و به عبارت دیگر، رویکرد کنشی را مقدم بر واکنش هیئت حاکم قرار دهد. در این نوع نگرش، با تأکید بر نقش آموزش اعضای جامعه از طریق رسانه که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در رفتار حقوقی جامعه به‌شمار می‌رود، توجهی جدی به کاهش عناوین مجرمانه و دعاوی، استانداردسازی ضمانت‌اجراهای کیفری و جایگزین کردن ضمانت‌اجراهای غیر کیفری مؤثر و روزآمد از قبیل انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی شده است. فخر و رستمی‌غازانی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان مسئولیت قوه قضائیه در پیشگیری از جرم در پرتو بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، در صدد بر آمده‌اند تا با توجه به مشروح مذاکرات قانون اساسی و کلیت آن، به ارائه تبیین مبتنی بر روح حاکم بر قانون اساسی بپردازند. از دیدگاه این مقاله، با توجه به بند ۱ اصل سوم قانون اساسی، پیشگیری از جرم بر عهده کلیت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بوده و قوه قضائیه نیز در این زمینه با رعایت اصل تفکیک قوا دارای مسئولیت است. قربانیان و هراتیان‌نژاد (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان نقش نهادها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی در پیشگیری

۱. این مرجع به سبب نظارت عالی‌ای که بر کلیه امور شهرستان دارد از عناصر مهم در تصمیم‌گیری و هدایت و مدیریت شهری است. و در حال حاضر وابستگی زیاد شهرداری‌ها به وزارت کشور این وابستگی را تقویت می‌کند و مهمترین نقش را در این خصوص از طریق شورای تأمین شهرستان و در باب مسائل امنیتی و انتظامی که به ریاست فرماندار تشکیل می‌شود اعمال و اجرا می‌کند و از همه مهمتر از طریق نظارت بر نحوه اداره سازمانها و مراجعی که در شهر اعمال مدیریت می‌کنند این نقش بیشتر نمود پیدا می‌کند.

از وقوع جرم، به‌طورکلی و مختصر، نقش‌های کلانی که هریک از نهادهای دولتی و غیردولتی دارند را مورد بررسی قرار داده‌اند. شهباز (۱۳۹۵) در پژوهش با عنوان بررسی تکالیف نهادهای دولتی ایران در زمینه پیشگیری از جرم به بحث و دسته‌بندی نهادهای دولتی قضایی و غیرقضایی و نهادهای تکمیلی و اصلی مرتبط با کاهش و پیشگیری از وقوع جرم پرداخته و به ضرورت انسجام در تکالیف پیشگیرانه از سوی نهادهای دولتی و کاهش پراکندگی در عملکرد دست یافته است. صبحدل (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان جایگاه حقوقی قوه قضائیه در پیشگیری اجتماعی، معتقد است که از همان ابتدای تدوین قانون اساسی، خبرگان قانون اساسی اختلاف نظرهایی در مورد واگذاری مسئولیت پیشگیری از وقوع جرم به قوه قضائیه داشته‌اند و عده‌ای معتقد بوده‌اند که قوه قضائیه بدون همکاری قوه مجریه نمی‌تواند در پیشگیری از وقوع جرم حرکت قابل توجهی انجام دهد. نویسندگان با توجه به قوانین موجود وظایف قوه قضائیه در پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم را بررسی کرده و ضمن بررسی دیدگاه‌های موافق و مخالف به این نتیجه رسیده‌اند که قوه قضائیه در این نوع پیشگیری، نقش اساسی و هماهنگ کننده دارد. علیوردی‌نیا (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان مدیریت پیشگیری از جرم در ایران، با بهره‌گیری از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، نقاط ضعف و ابهام پژوهش‌های حوزه پیشگیری از جرم را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده معتقد است مدیریت آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایران به مراتب دشوارتر از جوامعی است که نظام ارزشی و هنجاری تفکیک شده‌ای دارند. زیرا، در جوامع غیر دینی لزوماً قوانین موضوعه مبتنی بر ارزش‌های مذهبی نیستند و ناکارآمدی هنجارهای اجتماعی، از جمله قوانین و بازیگران نقش‌ها، به ارزش‌های مذهبی ارتباطی پیدا نمی‌کند. هوشیار حسینی (۱۳۹۱) به مانند بسیاری از پژوهش‌های مختلف با تأکید بر یک نهاد خاص و با عنوان نقش پلیس در پیشگیری از جرائم سایبری، به وظایف و کارکردهای نهاد پلیس در پیشگیری از جرم پرداخته است.

## روش‌شناسی

این پژوهش به روش توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تنظیم شد. در این راستا با مراجعه به منابع مختلف و همچنین بررسی رویه نهادهای کنشگر در زمینه پیشگیری از جرم و مقررات مختلف، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شد.

## یافته‌ها

چالش‌های مشارکت‌های پیشگیرانه نهادهای دولتی در حوزه شهری: با شناسایی چالش‌های مشارکت‌های پیشگیرانه نهادهای دولتی در حوزه شهری می‌توان آغاز فرآیند رفع این چالش‌ها را انتظار داشت؛ تا در هر نهاد خاص نیز به فراخور موضوع و تدابیر آنها، راهکارهای خاص مدنظر قرار گیرد. با توجه به وظایف نهادهای مرتبط با پیشگیری از جرم در سطح جامعه، می‌توان به چالش‌های مهم زیر پی برد. گفتنی است که پیشگیری از جرم زمانی به جایگاه ارزشمند خود در میان نهادهای دولتی دست خواهد یافت که در گام نخست چالش‌های اشاره شده از سوی مقام‌های مسئول به رسمیت شناخته شود و در گام بعد، به دنبال اصلاح آنها باشند.

**الف. چالش‌های قانونی:** نخستین و مهمترین گام به منظور اجرای مفید و مؤثر هر نوع راهبرد و رویکرد کیفری در رابطه با نقش آفرینی پیشگیرانه نهادها، تصویب قانونی جامع و شفاف است. زیرا، اصل مهم در حقوق کیفری به نام «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» یک اصل فطری، عقلی و منطقی است (کلانتری، ۱۳۸۱، صص ۶۴-۶۶). از جمله دلایل توجیهی این اصل عبارت‌اند از: احترام به حقوق و آزادی‌های بشری و جلوگیری از تعرض به آن، پیشگیری از جرم، اجرای عدالت و جلوگیری از هرج و مرج. با توجه به اینکه اجرای هر نوع راهبرد کیفری با جهت‌دهی موسع یا مضیق حقوق و آزادی‌های بشری همراه است و در حقوق کیفری به موجب ماده ۲ قانون مجازات اسلامی و در دادرسی‌های کیفری به موجب اصل قانونی بودن جرم و مجازات<sup>۱</sup>، ایجاب می‌کند که در هر زمینه حتی در ارتباط با دخالت‌های مبتنی بر واکنش، خواه در قالب پیشگیری کیفری و خواه غیر کیفری، نیازمند تدوین و تصویب قانون یا آیین‌نامه‌ای جامع و شفاف به منظور جلوگیری از بی‌نظمی و اجرای بهتر عدالت هستیم. بنابراین چنانچه مقنن در صدد دخالت دادن نهادهای دولتی در امر مهم پیشگیری باشد، باید سیاست کیفری خود را در این زمینه به گونه‌ای شفاف معرفی کند. بعد از سالیانتمادی تلاش اندیشمندان، پژوهشگران و سیاست‌گذاران ایرانی، در نهایت برای اولین بار در سابقه قانون‌گذاری کیفری ایران قانون، پیشگیری از جرم در سال ۱۳۹۴ به تصویب و به رسمیت شناخته شد، اما این قانون با توجه به ابلاغ از سوی رئیس مجلس و نه ریاست جمهوری به نظر بسیاری از اندیشمندان، قانونی است که

۱. ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود». نجفی ابرندآبادی معتقد است، این ماده ضرورت وجودی داشته و برای به اصل قانونی بودن دادرسی کیفری می‌پردازد و وجود آن زاید نیست.

در ابتدا مرده متولد شده است؛ نکته دیگر کلیت این قانون است، به نحوی که در حال حاضر قوه قضائیه در حال تدوین متن قانون ماهوی پیشگیری است و این قانون را برای پیشگیری کافی نمی‌داند. به هر تقدیر با تصویب قانون ماهوی پیشگیری از جرم، جامعیت قانونی یافتن نحوه فعالیت نهادهای دولتی و سهم هر یک بسیار ضروری است. با نگاهی به قوانین و آیین‌نامه‌های مختلف می‌توان مشاهده کرد که بسیاری از سازمان‌ها وظایف پیشگیرانه دارند و ایفای آنها را بدون نظارت برعهده دارند. تعدد و تکرر مقررات سازمان‌هایی مانند (به‌عنوان نمونه، گمرک، بانک مرکزی، سازمان محیط زیست، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری‌ها، سازمان ثبت اسناد، سازمان بازرسی کل کشور، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و مانند آن) می‌تواند پیشگیری از جرم را تحت تأثیر قرار دهد.

**ب. چالش‌های اجرایی:** چالش اجرایی مرتبط با پذیرش ایفای نقش نهادهای دولتی را می‌توان از ابعاد مختلف نگاه کرد: نخست بازنگری در وظایف عملی سازمان‌های دولتی که مشخص شود دامنه فعالیت هر یک از نهادهای مختلفی اعم از قضایی و اجتماعی (دولتی، غیر دولتی و عمومی) تا چه میزان است، دوم، پیش‌بینی لزوم همکاری جامع و تعامل نهادها به‌ویژه همکاری نهادهایی که در رابطه با یک موضوع صلاحیت پیشگیری را برای آنها پیش‌بینی کرده‌اند. این سازمان‌ها تنها در حالتی مؤثر و کارآ به‌نظر خواهند آمد که از یک طرف با دستگاه قضایی همکاری مؤثر داشته و از طرف دیگر نیز با جلب اعتماد افراد و گروه‌ها با آنها همکاری و تشریک مساعی داشته باشند. بالاخره مهمترین قسمت از بسترهای اجرایی لازم برای اعمال و اجرای این راهبرد، داشتن نیروی کار متخصص و حرفه‌ای در ایفای وظیفه پیشگیری است که می‌توان از طریق برگزاری دوره‌های آموزش تخصصی و فرهنگ‌سازی برای آنان به‌نحو احسن آن را ضابطه‌مند کرد (زینالی، ۱۳۸۷، ص ۳۹). نه تنها میان مقامات قضایی و سازمان‌های دولتی خاص باید تشریک مساعی وجود داشته باشد، بلکه علاوه بر آن میان شعبات مختلف استانی یک اداره و یا سازمان نیز این مشارکت الزامی است. همچنین باید مشخص شود که در یک سازمان خاص کدام یک از افراد موظف به پیگیری امر پیشگیری است؛ ضمن این که لازم است مشخص شود که آیا این سازمان موظف به تهیه گزارش بوده و یا خیر و اینکه چه تشریفات دیگری را برای بهبود پیگیری پیشگیری از جرم باید انجام دهد؟<sup>۱</sup>

۱. بکارگیری متخصصان در این سازمان‌ها ضرورتی انکارناپذیر است. این امر در حالی است که پژوهش‌های صورت‌گرفته در ایران، حکایت از این واقعیت دارند که یکی از مهمترین مشکلات در ارتباط با بسترهای اجرایی لازم در زمینه اعمال تدابیر پیشگیری از جرم و نهادسازی مرتبط بی‌توجهی به تخصص‌ها در این زمینه است.

ج. چالش‌های فرهنگی: یکی از ابعاد مهم پذیرش نقش آفرینی سازمان‌ها در پیشگیری از جرم، فراهم کردن بستر فرهنگی و آموزشی آن از طریق ارتقاء آگاهی‌ها و علاقمندی عموم افراد، دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری و یا مقامات نهاد‌های مسئول و مجری برای پذیرش و اجرای بهتر این گونه از وظایف پیشگیرانه است. رسیدن به این هدف مطلوب، از طریق تغییر نگرش‌ها در افراد، درخصوص ضروری و مفید بودن اقدامات این نهادها نسبت به برخی از جرائم و مجرمان و آشنایی با اهداف، کارکرد و فواید نحوه فعالیت آنها میسر خواهد بود. به نظر می‌رسد که هرچه سریع‌تر راهنمای سازمان‌های خاص در امر پیشگیری از جرم تدوین شود. این امر از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان در عرض تدوین آیین‌نامه‌های مربوط به قانون پیشگیری از جرم آن را انجام داد. تقویت اطلاع‌رسانی و علاقمندی عموم مردم نسبت به ایفای نقش پیشگیرانه سازمان‌های دولتی نیز بسیار ضروری است. آموزش و اطلاع‌رسانی در سطوح یادشده را می‌توان از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی برای قضات و مسئولان و مأموران نهادها و مؤسسات مربوطه، برگزاری سمینارها، همایش‌ها و رسانه‌های گروهی انجام داد.

ت. چالش‌های اقتصادی: یکی از دلایلی که شاید باعث شده است تدابیر و ایفای نقش سازمان‌ها در پیشگیری از جرم با موانع و چالش‌های متعددی مواجه باشد، کمبود بودجه‌های اختصاصی پیشگیری از جرم در سازمان‌های متولی است. این چالش اقتصادی از در نظر نگرفتن بودجه‌های مناسب برای پژوهش‌های بنیادین تا پیش‌بینی نکردن بودجه در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی کشور را شامل می‌شود. با مراجعه به هر نهادی می‌توان معضلات مالی و اقتصادی را ملاحظه کرد و همین امر تمام فعالیت‌های سازمان‌های خاص را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بیشتر باعث شده است که وظیفه پیشگیری یا از اولویت خارج شود و یا فراموش شود.

## بحث و نتیجه‌گیری

با نگاه معیارمدار به مقررات مرتبط با وظایف پیشگیرانه می‌توان دریافت که وظایف مختلف هریک از نهادها در ارتباط با پیشگیری، نشانگر خلأ اساسی در پیشگیری نهادمدار در کشور ما و پراکندگی در بکارگیری تدابیر پیشگیرانه است. در حال حاضر هر نهاد مانند جزیره‌ای است که بدون احساس نیاز و آگاهی از فعالیت دیگر سازمان‌ها به ایفای وظایف پیشگیرانه خود می‌پردازد. از طرف دیگر این فرضیه ثابت شده است که قانون

خاصی در پیشگیری وجود نداشته و هر آنچه سازمان‌های متولی پیشگیری دنبال می‌کنند عنوان پیشگیری از جرم ندارد بلکه گاهی می‌تواند باعث پیشگیری شود. علت تأکید بر اصطلاح پیشگیری نهادی یا نهادمدار، لزوم توجه به پیشگیری از جرم و تدابیر پیشگیرانه از منظر نهادهایی است که آن را اعمال می‌کنند. در این پیشگیری که می‌توان از آن با عنوان پیشگیری از منظر کنشگران یاد کرد، تدابیر پیشگیرانه به معنای واقعی در صورتی اهمیت می‌یابند که از سوی نهادها اعمال شده باشد. بنابراین این بعد از پیشگیری، نگاهی عملی داشته و بر پیاده‌سازی راهکارها و وظایف تأکید دارد. همچنین نهادهای متولی پیشگیری به نهادهای خاصی محدود نیستند، بلکه علاوه بر نهادهای دولتی، نهادهای غیر دولتی مؤثر در پیشگیری از جرم نیز در این بعد از پیشگیری قرار می‌گیرند. در حقوق کشورهایی مانند انگلستان، سازمان‌های غیر دولتی نیز در پیشگیری از جرائمی مانند جرائم اطفال و نوجوانان ایفای نقش می‌کنند. اما در حقوق ایران میزان اثربخشی و مجال قانونی برای ایفای نقش پیشگیرانه سازمان‌های غیر دولتی و مردم‌نهاد بسیار اندک است و به صورت خودجوش و بدون وجود سازماندهی مشخص ایفای نقش می‌کنند. از همین رو وقتی سخن از پیشگیری می‌شود اساساً نهادهایی مطرح می‌شوند که دولتی هستند و بر پیشگیری خواه به‌طور مستقیم و خواه به‌طور غیر مستقیم اثرگذار هستند؛ نگاهی که نیازمند بازنگری است.

**پیشنهادها:** در قالب یک قانون جامع، وظایف شکلی و ماهوی سازمان‌ها و نهادهای متولی پیشگیری از جرم تعیین شود و هم‌نوسازی پیاده‌سازی تدابیر پیشگیرانه در آن مدنظر قرار گیرد.

نظارت بر فعالیت‌های پیشگیرانه نهادها آن هم از سوی مدیر پیشگیری در سطوح مختلف کلان، استانی و منطقه‌ای پیش‌بینی شود. همچنین بازخوردگیری از ایفای تکالیف پیشگیرانه نهادها به‌طور مداوم پیگیری شود. با توجه به وظایف متعدد نهادهای غیر قضایی، با نگاه آسیب‌شناسانه تدابیری که می‌تواند باعث پیشگیری شود و باید از سوی این نهادها مدنظر قرار گیرند ارزیابی و از اشاره به وظایف کلی اجتناب شود.

برای نظام‌مندی اعمال پیشگیری از سوی نهادهای کنشگر، ارکان سه‌گانه مدیریت صحیح شامل اداره کردن، هماهنگ کردن وظایف و نظارت در ایفای تدابیر پیشگیرانه، رعایت شود. از آنجا که هر یک از سازمان‌ها و تشکیلات فعال در زمینه پیشگیری نهادمدار در سطح جامعه وظایفی بر عهده دارند و هدف همه آنها برآورده کردن نیازهای جامعه است، هماهنگ کردن آنها یک متغیر ویژه در پیشگیری نهادمدار تلقی می‌شود.

## فهرست منابع

- اصغری، عبدالرضا و سرمدی واله، علی. (۱۳۹۱). پیشگیری اجتماعی از جرم در قانون برنامه پنجم توسعه، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره جدید، شماره ۴، صص ۱۴۳-۱۶۶.
- جندلی، منون. (۱۳۹۵). درآمدی بر پیشگیری از جرم (تعاریف، تاریخچه، رویکردها و دورنماها). چاپ دوم. تهران: نشر میزان.
- رستمی‌غازانی، امید. (۱۳۹۰). مسئولیت پیشگیری از جرم در حقوق ایران با تأکید بر لایحه قانونی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی.
- دو روسنی، ژول و بیشون، جون. (۱۳۷۰). روش تفکر سیستمی. امیرحسین جهان بگلو، مترجم. تهران: انتشارات پیشرو.
- زینالی، امیرحمزه. (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی: بستری برای اعمال کیفی‌های اجتماع محور در ایران. مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴.
- سرور دهنوی، ابراهیم. (۱۳۹۲). پیشگیری وضعی در قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- سلاجقه، سعادت. (۱۳۹۱). رویکرد پیشگیری از جرم در قوانین امور گمرکی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- شجاعی، محمدرضا. (۱۳۹۰). نقش سازمان بهزیستی کشور در پیشگیری از جرم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه شهید اشرفی اصفهانی.
- صبح‌دل، محمد. (۱۳۹۶). جایگاه حقوقی قوه قضائیه در پیشگیری اجتماعی. مجله قانون یار، ۴(۴)، صص ۹۳-۱۰۸.
- علیوردی‌نیا، اکبر. (۱۳۹۳). مدیریت پیشگیری از جرم در ایران. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۲(۸)، صص ۳۷-۵۸.
- کلانتری، کیومرث. (۱۳۸۱). تحلیل بحران در حقوق موضوعه کیفری و راهکارهای خروج از آن. رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- لطیفی، غلامرضا. (۱۳۸۷). مدیریت شهری. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها.
- فخر، حسین و امید رستمی‌غازانی. (۱۳۹۰). مسئولیت قوه قضائیه در پیشگیری از جرم در پرتو بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، دو فصلنامه علامه، ۱۱(۳۲)، صص ۹۷-۱۲۴.
- قربانیان، حسین و هراتیان نژاد، مجید. (۱۳۹۰). نقش نهادها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی در پیشگیری از وقوع جرم. کانون وکلا، ۵۳(۱۱۶)، صص ۱۸۹-۲۰۱.
- هوشیار حسینی، سید مهرداد. (۱۳۹۱). نقش پلیس در پیشگیری از جرائم سایبری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.